

## Grand Jihad as a Strategy in the Foreign Policy of the Islamic Government (Emphasizing the Views of the Imams of the Revolution)

Mohammad Saber Sadeghi<sup>1</sup>, Rasool Noroozi Firouz<sup>2</sup>

<sup>1</sup> PhD., Student, Baqir al-Olum University (AS), Qom, Iran (*Corresponding author*). [m.s.sadegh65@gmail.com](mailto:m.s.sadegh65@gmail.com)

<sup>2</sup> Assistant professor, Research Institute of Islamic Sciences and Culture; and member of the Political Studies Association, Qom, Iran. [r.norozi@isca.ac.ir](mailto:r.norozi@isca.ac.ir)

### Abstract

This research, based on the analysis of the epistemological system of the Quran and the interpretation of the Imams of the Revolution, seeks to position the Grand Jihad as a strategy in the foreign policy of the Islamic Government. The fundamental question is how Grand Jihad, as a strategy in the realm of foreign policy, indicates independence and the preservation of Islamic identity in the interactions and engagements with other societies, governments, and civilizations. In this regard, the relationship between two variables, Grand Jihad and success in foreign policy (preservation of independence and non-alienation of Islamic identity), is analyzed using a descriptive-analytical method. The research is based on the hypothesis that since Grand Jihad delineates the framework and red lines of flexibility and defines interests and benefits, as well as outlines dignity based on wisdom in foreign interactions, it prevents policymaking and diplomacy contrary to the identity and independence of the Islamic government – based on insight and values. The results of this research include outlining the strategies that give substance to Grand Jihad in foreign policy, including the necessity of preserving Islamic identity and governance, diplomacy based on dignity, wisdom, and interests, the necessity of negating the system of arrogant disbelief and fighting against oppression, the necessity of supporting oppressed nations and governments, and the necessity of countering the infiltration of the system of disbelief.

**Keywords:** Grand Jihad, Foreign Policy, Islamic Government, Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei, Anti-Arrogance.

---

Received: 2023-03-24 ; Received in revised form: 2023-05-17 ; Accepted: 2023-06-26 ; Published online: 2023-09-24  
<https://doi.org/10.22034/SM.2021.526338.1679>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## جهاد کبیر به مثابه راهبرد سیاست خارجی دولت اسلامی (با تاکید بر آراء امامین انقلاب)

محمدصابر صادقی<sup>۱</sup>، رسول نوروزی فیروز<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول)، m.s.sadegh65@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. r.norozzi@isca.ac.ir

### چکیده

پژوهش حاضر براساس تحلیل منظومه معرفتی قرآن کریم و خوانش امامین انقلاب، درصدد جایگاه‌یابی جهاد کبیر به مثابه راهبرد سیاست خارجی دولت اسلامی است. سوال اساسی این است که جهاد کبیر به مثابه یک راهبرد در پهنه سیاست خارجی، چگونه بر استقلال و عدم استحاله هویت در دولت اسلامی در مناسبات و تعاملات با جوامع، دولت‌ها و تمدن‌های دیگر دلالت می‌کند؟ در این راستا، با روش توصیفی-تحلیلی، رابطه میان دو متغیر جهاد کبیر و کامیابی در سیاست خارجی (حفظ استقلال و عدم استحاله هویت اسلامی) مورد تحلیل قرار گرفت. پژوهش بر این فرضیه استوار است که از آنجایی که جهاد کبیر چارچوب و خطوط قرمز نرمش و رعایت مصالح و منافع را مشخص کرده و همچنین چارچوب عزت براساس حکمت در تعامل خارجی را ترسیم می‌کند، مانع از سیاست‌گذاری و سیاست‌ورزی برخلاف هویت و استقلال دولت اسلامی - متکی بر بیش و ارزش‌ها - می‌شود. از نتایج پژوهش حاضر ترسیم راهبردهای عینیت‌بخش به جهاد کبیر در سیاست خارجی است؛ از جمله وجوب حفاظت از هویت اسلامی و حاکمیت اسلام، دیپلماسی بر محور عزت، حکمت و مصلحت، لزوم نفی نظام کفر استکباری و مبارزه با ظلم، لزوم حمایت از ملت‌ها و دولت‌های مستضعف و لزوم مقابله با نفوذ نظام کفر.

**واژه‌های کلیدی:** جهاد کبیر، سیاست خارجی، دولت اسلامی، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، استکبارستیزی.

استاد به این مقاله: محمدصابر؛ نوروزی فیروز، رسول (۱۴۰۲). جهاد کبیر به مثابه راهبرد سیاست خارجی دولت اسلامی (با تاکید بر آراء امامین

انقلاب). *سیاست متعالیه*، ۳۱۱(۳): ص ۲۸۵-۳۰۰. <https://doi.org/10.22034/SM.2021.526338.1679>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

چیستی و چگونگی دولت اسلامی، ذیل چارچوب مفهومی اسلام، فهم و درک می‌شود؛ اسلامی که بر اساس وحی و شریعت آسمانی و با ایده جهان شمول به دنبال هدایت و رستگاری همه مردم و حاکمیت دین بر تمام ساحت‌های بشری است. اهداف دولت اسلامی چون استقلال، امنیت، توسعه قدرت نرم و سخت، جهانی‌سازی اسلام، مبارزه با قدرت‌های استکباری و حمایت از مستضعفین و تشکیل امت واحده اسلامی (شجاعی، ۱۳۸۹: ص ۲۵-۳۰)، ذیل راهبردهای متنوع و به هم پیوسته‌ای حاصل خواهد شد؛ راهبردهایی که بتوانند در مسیر، اهداف دولت اسلامی را تأمین نمایند. «راهبرد یا استراتژی، به طرح عملیاتی درازمدتی گفته می‌شود که به منظور دستیابی به یک هدف مشخص، طراحی شده باشد. در حقیقت، راهبردها مسیر تحقق اهداف را مشخص می‌سازند» (شجاعی، ۱۳۸۹: ص ۳۱). بنابر تعریف ارائه شده، جهاد کبیر به‌مثابه راهبرد سیاست خارجی، به دنبال تحقق اهداف دولت اسلامی است؛ که با راهکارهای مختلفی عمل خواهد کرد.

به نظر می‌رسد که جایگاه جهاد کبیر - به‌مثابه راهبرد سیاست خارجی - در دولت اسلامی، طرحی برای مقابله و ممانعت از تهی شدن دولت و جامعه اسلامی از بینش، ارزش و کنش اسلامی در مناسبات خارجی و تعاملات بیرونی است. از آنجا که تمدن‌ها در صورت پیشرفت، به سرریز شدن در خرده فرهنگ‌ها منجر می‌شوند و این خرده فرهنگ‌ها، تمام ساحت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع را دربرمی‌گیرند؛ جهاد کبیر، نرم‌افزار اصیل و درون‌زایی جهت مغلوب نشدن در برابر تمدن غربی است، که در صدر اسلام در مقابل فرهنگ جاهلیت، در قرون میانی در مقابل قدرت روم، ترک و فارس و در سطح تمدنی و دولت‌ها برای تبلیغ اندیشه و فکر اسلامی کاربرد دارد. مباحثی که پیرامون جهاد کبیر تاکنون منتشر شده، به ابعاد، مبانی و عرصه‌های قرآنی یا بررسی آن از منظر امام خامنه‌ای پرداخته است؛ اما پژوهش حاضر برای نخستین بار به جهاد کبیر به‌مثابه راهبرد سیاست خارجی می‌نگرد و در پی گشایش و بسط اندیشه اسلامی در عرصه سیاست خارجی و دانش روابط بین‌الملل است.

## ۲. چارچوب مفهومی

به نظر می‌رسد چارچوب نظری و مفهومی برای مواجهه با مسئله پیش‌رو، نیازمند فهم موضوع در چارچوب نظری قرآنی یا همان علم تفسیر است. بنابراین، در پژوهش پیش‌رو با روش تفسیری قرآن به قرآن، به معنای «رفع ابهام و توضیح معانی آیات در پرتو آیات مرتبط با آن» (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ص ۳۶۱)، بدون ورود به جزئیات - از آن جهت که غرض پژوهش نیست - به معنایی جهاد کبیر در پرتو شبکه مفاهیم وابسته

به آن که مؤثر در سیاست خارجی دولت اسلامی است، پرداخته خواهد شد.

## ۲-۱. تفسیر جهاد کبیر

جهاد در لغت، بذل طاقت و توان و سعی بلیغ تا حد ممکن و تمام قدرت است؛ همچنین جهاد با مال، بدن و فکر معنا دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۱۲۸). واژه و مفهوم جهاد کبیر برخاسته از فرهنگ قرآن و متبلور در یک آیه شریفه «فَلَا تُطِيعُ الْكٰفِرِيْنَ وَجٰهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» (فرقان: ۵۲) است. عده زیادی از مفسرین این آیه را اینگونه تفسیر نموده‌اند که پیامبر (ص) می‌بایست به وسیله قرآن با دشمنان جهاد کند؛ به این معنا که برای آنان قرآن بخواند و معارف و حقایق را بیان و حجّت را تمام نماید. همچنین ایشان بعد از دریافت وحی، با توجه به غرض برپایی قوانین و حیانی به مانند ناموس الهی، نباید از کافران و قوانین آنها اطاعت کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۵، ص ۲۲۸). این تفسیر به بیان‌های دیگر مثل «هیچ وقت نباید تسلیم منحرفان و هوس‌ها شد و بایست به وسیله قرآن، جهادی فکری و فرهنگی کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ص ۱۲۲)، تکرار شده است؛ این معنا در تفاسیر اهل سنت نیز بیان شده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۰، ص ۳۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ص ۷۴).

برخی از مفسرین، آیه شریفه را ضمن توجه به قرآن و وحی، به ترک طاعت و عدم تبعیت از کفار و دشمنان خدا تفسیر کرده‌اند و ترک طاعت کافرین را در آنجا که خواسته‌های خود را می‌خواهند تحمیل کنند، لازم و جهاد را مجاز می‌دانند. لذا خداوند متعال امر به ضد آن می‌کند و از پیامبرش می‌خواهد با قرآن و با ترک طاعت آنها، مجاهده بزرگ نماید (نیشابوری، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۲۵۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۳، ص ۱۴۲؛ طوسی، بی تا: ج ۷، ص ۴۹۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۱۹؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۹، ص ۴۰۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۵، ص ۴۷۵؛ تقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق: ج ۴، ص ۸۳).

## ۲-۱-۱. معنای مختار

مقصود از جهاد کبیر نوعی مقابله غیر نظامی با کافران است؛ آنجا که کافران، پیامبر (ص) را به اطاعت از خود فرامی‌خوانند. اطاعت نکردن از کافران مستلزم رویارویی با سختی‌ها و فشارهای مختلفی است، که در راستای تضعیف مقاومت مؤمنان بر آنها وارد می‌شود. آنان مورد انواع بی‌مهری‌ها و رنج‌ها قرار می‌گیرند تا در اثر این فشارها، دست از مقابله با جریان کفر حاکم بر جامعه بردارند و تسلیم آن شوند. جهاد کبیر به این معناست که مؤمنان، تحت تأثیر فشار، تهدید و تطمیع کافران قرار نگیرند و از آنها اطاعت نکنند (کریمی و بخشی، ۱۳۹۹: ص ۱۹۲).

اگرچه مفهوم قرآن و مفهوم عدم اطاعت از کفار دو چیز و متباین هستند؛ اما در مصداق و هدف آیه با توجه به سیاق و شبکه مفاهیم قرآنی در مواجهه با کفار، می‌توان برای جهاد کبیر معنای جامعی را تصور و قصد کرد. توضیح آنکه، عدم اطاعت از کفار - جبهه کفر و باطل - ملازم با اطاعت از قرآن - پیروی از وحی و دستورات دین - و از طرفی عمل به قرآن - پیروی از خداوند متعال و دستورات وحی - ملازم با عدم اطاعت از کفار و منافقین است. در نتیجه، معنای جامع جهاد کبیر عبارت است از: عدم تبعیت از برنامه‌ها و قوانین کفر و بی‌توجهی به وسوسه‌های منافقین - که به سوی کفر دعوت می‌کنند - و تبعیت کامل از وحی و قوانین اسلام.

## ۲-۲. نسبت‌یابی جهاد کبیر و مفاهیم سیاست خارجی

هر نوع مبارزه‌ای که منجر به تقویت جامعه اسلامی و در نتیجه تسلیم نشدن در برابر کفار گردد، عرصه‌ای از جهاد کبیر محسوب می‌شود (کریمی و بخشی، ۱۳۹۹: ص ۱۹۸).

### ۲-۲-۱. شبکه مفاهیم وابسته به جهاد کبیر

شبکه مفاهیم وابسته به جهاد کبیر مفاهیمی است، که در چارچوب مفهومی جهاد کبیر با رویکرد حاکمیت و دولت، دارای معنا و مفهومی حاکمیتی و خاص در سیاست خارجی می‌شوند؛ که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌شود. امنیت: «در واقع تنها راه رسیدن به امنیت، خروج از تاریکی و ورود به نور است که آن هم در سایه سار هدایت الهی تحقق می‌یابد» (لک‌زایی، ۱۳۹۳: ص ۲۴). در اینجا نور، اطاعت از وحی و تاریکی، تبعیت از کفر است. جهاد کبیر در این آیه به معنای مبارزه و انواع اقدامات اجتماعی - فرهنگی است که به تبعیت از وحی و کفر به طاغوت منجر می‌شود و جایگاه امن و هدایت را برای جامعه اسلامی به ارمغان می‌آورد که در قرآن بدین شکل به آن متذکر می‌شود: «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون» (انعام: ۸۲). به عبارت دیگر، ایمان همان تبعیت از وحی و قرآن و ظلم، تبعیت از کفر است.

طبق این آیه شریفه، امنیت به عنوان یکی از وظایف دولت اسلامی و اهداف سیاست خارجی، در سایه توجه به این سازه معرفتی است که تحقق می‌یابد. منع از بظان و هم‌رازی با کفار، یکی دیگر از مفاهیمی است که با مفهوم جهاد کبیر ارتباط منظومه‌وار دارد. قرآن به جامعه اسلامی و مؤمنین از هم‌رازی و دوستی عمیق و در میان گذاشتن اسرار با اهل کفر هشدار داده و از دشمنی آنها علی‌رغم ظاهرسازی آنها حذر می‌دهد (آل عمران: ۱۱۸-۱۲۰). لازمه اصل فوق، عدم ارتباط راهبردی با دولت‌های ذیل نظم کفر است. البته جز در موارد مصلحت، اصل بر عدم برقراری رابطه یا رابطه به صورت برابر است؛ به نحوی که مانع از نفوذ کفر در دولت و

جامعه اسلامی گردد.

دفاع و حمایت از مستضعفین، طبق آیه شریفه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» (نساء: ۷۵) یکی دیگر از مصادیق جهاد کبیر است. در همین راستا، دولت اسلامی «دفاع از مظلومان را جزء وظایف اصلی خویش می‌شمرد، و فتنه‌گری و ایجاد رعب و وحشت و تضییق و فشار و سلب آزادی از سوی دشمن را نوعی اعلام جنگ می‌داند و خود را موظف به دفاع می‌شمرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۳۱۷). بنابراین، منع از سلطه نظم کفر بر دولت اسلامی یکی دیگر از مفاهیم وابسته و مرتبط با جهاد کبیر است. این مفهوم در آیه نفی سبیل مطرح شده و کارکرد آن همسو با جهاد کبیر در عدم تبعیت از کفار و مشیء بر طریق قرآن است.

در این زمینه می‌توان به مفاهیمی چون عزت، دعوت و جهاد اشاره داشت و البته باید تأکید کرد، که شبکه مفاهیم وابسته به جهاد کبیر گسترده‌تر است و در پرتو آنهاست که راهبرد جهاد کبیر معنا می‌گردد. به دلیل آنکه «مفاهیم قرآن کریم دارای انسجام کامل است و همه مطالب آن با یکدیگر هماهنگ می‌باشد و هیچ‌گونه اختلافی در آن مشاهده نمی‌شود. مفاد آیه ۸۲ سوره نساء که به صورت قیاس استثنایی بیان شده، این است؛ یعنی هیچ‌گونه اختلافی در سراسر قرآن کریم نیست. منظور این جمله تنها بیان عقد سلبی قضیه نیست که بین معانی قرآن هیچ اختلافی نیست؛ بلکه مراد تبیین عقد اثباتی آن است؛ یعنی همه مفاهیم قرآنی منسجم و هماهنگ‌اند و به یکدیگر انعطاف و گرایش دارند و هر آیه در محتوای خود صادق است و نسبت به محتوای آیه دیگر بدون واسطه یا با واسطه مصدق می‌باشد» (فتحی، ۱۳۸۸: ص ۲۱).

## ۲-۲-۲. متعلق حکم جهاد کبیر

نکته دیگری که در معنایابی جهاد کبیر و جایگاه آن در قرآن می‌بایست توجه نمود، متعلق عدم اطاعت است؛ یعنی از چه کسانی نبایست تبعیت کرد. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ» (احزاب: ۱)؛ گزیده کلام یعنی از کفار و منافقین تبعیت نکنید. حال با توجه به این آیه، آیا هرکافر و منافقی منظور است، یا مورد خاصی مد نظر است؟ یا کفار حربی مدنظر بوده یا کافر معاهد نیز، متعلق حکم است؟ به نظر می‌رسد در آیه شریفه، کافر و منافق دو مثال غالب برای هر آن کسی است که در مقابل منطق و جهان‌بینی قرآن ایستادگی کند، آن را قبول نداشته باشد و به قوانین ربوبی و وحیانی سر نسیپارد. در حقیقت، ذمی بودن، محارب و معاهد بودن ملاک نیست. همچنین منافق به صورت عادی قابل شناسایی نیست، مگر در مخالفتش با منطق قرآن. بنابراین، می‌توان گفت، عدم تبعیت در سطح حکومت‌ها و کلان جامعه، در مواجهه با کشور و حکومت خاصی از اهل کتاب، مشرک، کافر یا حتی مدعی اسلام نیست؛ چرا که همه

اینها در صورت تلاش برای تفوق گفتمان، فرهنگ و منطق غیرو حیانی خود بر نظام و دولت اسلامی - قوانین اسلام - نایست از آنها تبعیت کرد. در حقیقت، دوست و دشمن بودن را نه ظاهر دینی آنها، بلکه این ملاک مشخص می‌کند. به عبارت روشن‌تر، در سطح حاکمیت دولت‌ها، وجه استکباری و تهاجمی کشورها و دولت‌ها است که مشخص می‌کند، آیا می‌توان با دولت و حکومت دیگر، ائتلاف، تعاهد و قرارداد داشت یا خیر؛ چراکه در قرارداد هم امکان نفوذ، تهاجم هویتی و تهدید استقلال با زمینه‌سازی عناصر ضعیف‌النفس وجود دارد.

### ۲-۲-۳. جهاد کبیر و مفاهیم سیاست خارجی

جایگاه دانشی جهاد کبیر در نظریه روابط بین‌الملل را می‌توان در نظریه اسلامی سیاست بین‌الملل جستجو کرد. از آنجایی که نظریه اسلامی روابط بین‌الملل ماهیتی تبیینی، تکوینی، انتقادی و هنجاری دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۷)، فهم قواعد سیاسی قرآنی موجود در ذیل نظریه روابط بین‌الملل اسلامی دشوار نخواهد بود. از این‌رو جهاد کبیر به عنوان راهبرد سیاست خارجی دولت اسلامی به مثابه کلان راهبردی است، که می‌بایست بر دیگر راهبردها و راهکارهای سیاست خارجی حاکم باشد.

جهاد کبیر به مثابه راهبرد سیاست خارجی دولت اسلامی در عصر کنونی، به معنی «واسازی نظم بین‌الملل و استقلال‌یابی مبتنی بر نظام ملت - دولت از طریق غیرطبیعی کردن و مشروعیت‌زدایی آن، به معنای نشان دادن ماهیت زمان‌مند و مکان‌مند بودن نظام بین‌الملل موجود، حدوثی بودن نظم و نظام، مشروعیتی که به مرور زمان [می‌توان] کسب نمود و می‌شود زدود، تخریب نظم و نظام بین‌الملل از طریق مبارزه با کانون‌ها و قطب‌های قدرت و تغییر سازمان‌ها، نهادها و قواعد بین‌المللی و ارزش‌های سکولار بنیادی آن» است (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۵۲).

در مناسبات دیپلماسی و مذاکرات نیز، دولت اسلامی باید ضمن حفظ هوشیاری در برابر نیرنگ‌بازی و خدعه دشمن، سدّ راه نفوذ اجانب به بهانه تعامل با دولت اسلامی گردد و به مواد معاهده و پیمان ناشی از انجام مذاکرات، پایبند بماند و در صورت نقض پیمان از سوی طرف مقابل، به تناسب مقابله به مثل نماید و از منافع و مصالح مسلمانان دفاع کند (شبان‌نیا، ۱۳۹۵: ص ۲۱). این راهبرد عنوان می‌کند که در تمامی ارتباطات خارجی اعم از مذاکره، قرارداد، تفاهم‌نامه، همکاری، قبول اسناد بین‌المللی، نباید اصل عدم تبعیت و اطاعت از کفار خدشه‌دار شود و همواره می‌بایست، به عنوان مصلحت ملزمه و یک اصل اولی و حاکم بر دیگر اصول، به نحو و جوب مراعات گردد.

### ۳. جهاد کبیر در سیاست خارجی از منظر امامین انقلاب

#### ۳-۱. امام خمینی

با توجه به تحلیل و برداشتی که از آیه شریفه به مثابه یک اصل راهبردی در سیاست خارجی دولت اسلامی در چارچوب منظومه معرفت قرآن ارائه شد، می‌توان به آثار امام خمینی نگاهی داشت و اثرگذاری این اصل را در منظومه فکری-تحلیلی امام خمینی - علی‌رغم عدم اشاره مستقیم به جهاد کبیر- شناسایی کرد و به شناخت عمیق‌تری دست یافت. مفهوم جهاد کبیر را در سخنان ایشان می‌توان با ادبیاتی همچون عدم تبعیت از نظام استکبار، شرک و کافران و پیروی از دستورات قرآن کریم و عترت اهل بیت(ع)، مشاهده کرد و مبارزه با قدرت‌ها، ظلم و شرک (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۰، ص ۳۱۹) را برنامه سیاست خارجی دولت اسلامی که منطبق با جهاد کبیر است، دانست. بدیهی است که این مفاد، جز رد کردن قوانین استکباری و تن دادن به قوانین الهی نیست و این همان ترجمان جهاد کبیر است.

امام خمینی، یکی از اهداف و علل لزوم تشکیل حکومت را برهم زدن نظم ظالمانه دنیا، اقامه قوانین اسلام و ممانعت از تسلط استعمارگران و نظامات ظالمانه اقتصادی بر مردم می‌داند (امام خمینی، بی‌تا: ص ۳۷). موارد مذکور امتداد و بسط سیاسی و حکومتی شبکه مفاهیم وابسته به جهاد کبیر و عدم تبعیت از کفار و عمل به دستورات قرآن است. در زمینه روابط خارجی دولت اسلامی، ایشان نه تنها قائل به حرمت قرارداد و معاهده‌ای است که مصلحت و هویت اسلامی را تهدید می‌کند؛ بلکه بر دولت‌ها و جوامع اسلامی واجب می‌داند، چنانچه دولت اسلامی دیگری به قراردادی خلاف مصلحت اسلام و مسلمین اقدام کرد، او را به وسیله ابزارهای سیاسی یا اقتصادی و مانند آن، نهی نمایند و مانع تحقق آن شوند. همچنین چنین قراردادهایی را در اسلام حرام و باطل می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ص ۳۷۹).

از لوازم جهاد کبیر در روابط خارجی، مخالفت عملی با رهبران و رؤسای سیاسی خائن به استقلال کشورهای اسلامی است، که موجب نفوذ سیاسی یا اقتصادی اجانب - کفار - می‌شوند. ایشان در این زمینه، فتوا به مقاومت منفی، ترک معامله، انواع اعتراض و تلاش برای اخراج او از همه شئون سیاسی - اجتماعی می‌دهند و مخالفت رهبران و عالمان مذهبی، مردم با نفوذ و تسلط اجانب بر مقدرات اقتصادی کشورهای اسلامی را واجب می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ص ۳۷۹). از دیگر لوازم جهاد کبیر در سیاست خارجی دولت اسلامی، احیای هویت اسلامی مسلمانان جهان و دعوت آنها به تصاحب قدرت و سرمایه‌گذاری بر این مسئله به صورت علنی و صریح است (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۹۱)؛ چون قدرت و احیای هویت، مقدمه اجرای قوانین اسلامی - عمل به قرآن - و بازدارنده از تبعیت از کفار است. از منظر ایشان دنبال



کردن سیاست راهبردی جهاد کبیر در دولت اسلامی، به بیداری اسلامی، اتحاد جهانی مستضعفین و وحدت امت اسلامی (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۹، ص ۲۸۱) منجر می‌شود و می‌تواند عدم تبعیت از نظم کفر جهانی را محقق سازد. وجه دیگر جهاد کبیر، ترسیم اصل طرفداری از ملت‌های مستضعف، تبعیت از وحی، مقابله با ابرقدرت‌ها، عدم تبعیت از کفار و سیاست خارجی مبتنی بر نه شرقی و نه غربی بود (حاتمی‌راد، ۱۳۸۵: ص ۱۵۴-۱۸۳).

### ۳-۲. مقام معظم رهبری

جهاد کبیر اگرچه در ادبیات سیاسی امام خامنه‌ای اصطلاحی بدیع و نو پیدا به حساب می‌آید؛ اما مفهوم و ابعاد آن امر جدیدی نیست و می‌شود مفهوم و ابعاد آن را در ادبیات سیاسی ایشان ردیابی کرد و به گستره آن در اندیشه ایشان دست یافت. با این ملاحظه، بیانات ایشان در گذشته نیز می‌تواند، شارح و مبین معنا و مقصود جهاد کبیر باشد. سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری منبعث از هویت اسلامی و متناسب با واقعیت‌ها و مناسبات بین‌المللی است. پیوند سیاست خارجی با جهاد کبیر آنجا است که ایشان جهاد کبیر را به معنای عدم‌الاطاعة، عدم تبعیت یا عدم دنباله‌روی از دشمن (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶) و یکی از انواع جهاد اصغر در مبارزه با دشمن، معرفی می‌کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۳).

در ادامه برای تبیین جهاد کبیر در اندیشه مقام معظم رهبری، به شمای کلی و اجمالی سیاست خارجی از منظر ایشان، تا آنجا که به نظر می‌رسد پیوند معنایی با جهاد کبیر دارد و آن را معنا می‌بخشد، اشاره خواهد شد. از منظر ایشان، سیاست خارجی در دولت اسلامی، صحنه نزاع با استکبار است و «عرضه نزاع جبهه حق و کفر در برهم زدن نظم الهی - قرآن و عترت - است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۹/۲۷). ایشان همچنین اعتقاد دارد، جبهه کفر از دولت‌های کفر استکباری که در پی تهاجم و ممانعت از بسط جبهه حق و امتداد قوانین اسلامی هستند، تشکیل شده است، که با قدرت‌گیری جبهه حق در قامت دولت اسلامی تابع دستورات وحی مخالفت و مقابله می‌کنند.

از منظر ایشان، وظیفه سیاست خارجی در دولت اسلامی، حساسیت در برابر دشمن و واکنش به موقع در مقابل برنامه‌ها و نقشه‌های اوست؛ که این مهم می‌بایست، در سیاست کلان روابط خارجی دولت اسلامی لحاظ شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۱۴). همچنین نفوذ، عدم هم‌رازی و همکاری راهبردی با نظم کفر - دولت‌ها - از جمله سیاست‌های خارجی دولت اسلامی است و وجود روابط دیپلماتیک نیز به معنای اعتماد به دشمن نیست؛ بلکه همیشه دولتمردان را از آن حذر می‌دهند و ارتباط را به مثابه میدان نبرد واقعی برمی‌شمرند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۴/۱۹)؛ بلکه آن را متولی سد حمله و خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان می‌دانند

(مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۶/۶)؛ چرا که دولت‌های استکباری به دنبال تبعیت دولت اسلامی از نظم آنها زیر فشار و تهدید هستند. ایشان همواره خط اصلی سیاست خارجی دولت اسلامی را اصل نه شرقی و نه غربی می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۳/۱۳) و دفاع از مظلوم، کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند و پافشاری بر حقیقت را از دیگر اصول سیاست خارجی در دولت اسلامی برمی‌شمرند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۹/۱۶). این مفاد همه بسط و شرح جهاد کبیر، به معنای عدم تبعیت از کفار و پیروی از دستورات اسلام در گستره سیاست خارجی است.

از آنجا که جهاد کبیر، عدم تبعیت از کفار و پیروی از تعالیم اسلامی و وحی تبیین شده، رهبر انقلاب حمایت از هویت نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزش‌ها را که مساوی با عزت ملی و غیرقابل معاوضه و مذاکره است، وظیفه سیاست خارجی می‌دانند و در سخنان خود تأکید دارند، که بیشترین حجم از تبلیغات و دشمنی‌های دشمنان، با هدف عقب‌نشینی دولت اسلامی از اصول هویتی خود است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۵/۲۷).

اهمیت جهاد کبیر از منظر ایشان تا جایی است که در تراجم بین مقبولیت جهانی - امر مطلوب - با اصول دولت اسلامی - که هویتی است - به اهم بودن اصول حکم می‌دهند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۵/۲۷)، و مبانی ارزشی نظام، از جمله استقلال و عدم وابستگی را که در سیاست‌های کلی نظام متجلی است، پایه و ستون سیاست خارجی دولت اسلامی محسوب می‌کنند. از منظر ایشان، نظامی که در مقابل دشمنان خدا تسلیم شود، دیگر نظام و دولت اسلامی و قرآنی نیست، و در مناسبات و تعاملات خارجی نباید احساس هویت و عزت اسلامی خدشه‌دار شود؛ زیرا برخی از قواعد و ارزش‌های بین‌المللی تحمیل شده و نتیجه سلطه قدرت‌ها است، و قبول این قواعد، مساوی با دست کشیدن از هویت ملی، اصول و ارزش‌های نظام و دولت اسلامی می‌شود که نتیجه آن، عدم جواز برآمده از اصل قرآنی جهاد کبیر و حرمت در سطح فقه دولت است. باید دستگاه متولی سیاست خارجی در دنیا متکی بودن به فکر و اراده ملی بودن دولت اسلامی را اعلام، و تفاهمات را بر این اساس سامان بدهد.

بُعد دیگر جهاد کبیر، ممانعت از تجاوز، تعرض و تشویق دشمنان به فشار و تحکم استکبار بر دولت اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۵/۱۵). ایشان در این اندیشه‌اند که با عادی شدن روابط با استکبار، دولت اسلامی شکست خواهد خورد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۱۰/۲۶). با توجه به این معنا، جهاد کبیر هم در وجه سلبی و منع، مفهوم و کاربرد دارد و مانع نفوذ شده و هم اثبات و تمهید آن، جهت پیشبرد سیاست خارجی دولت اسلامی می‌شود. و از سویی باعث تمرکز ارکان دولت اسلامی بر برنامه‌ها، سیاست‌ها و در

نتیجه رشد شده و هم باعث عدم انصراف ذهن دولت اسلامی به بازی‌ها و مشغول‌سازی‌های دشمنان می‌گردد.

بنابر تبیین مقام معظم رهبری از مفهوم جهاد کبیر، عناصر دخیل و سازه‌های معرفتی آن، فلسفه تشکیل دولت اسلامی، زعامت ولی فقیه و حاکمیت دین خدا است، و بدون این اهداف، فرقی بین دولت اسلامی با غیر آن نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶). به تعبیر دیگر، پیشبرد اهداف و برنامه‌های اسلامی در سطح سیاست خارجی، عدم پذیرش برنامه‌ها، اهداف، معاهدات و اسناد بین‌المللی که در مخالفت قطعی با اهداف و برنامه‌های اسلامی قرار دارند، چه در میدان سیاست، چه اقتصاد، فرهنگ، هنر و دیگر میدان‌ها (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۳) محور جهاد کبیر است و مصالح و منافع مادی نمی‌تواند مجوز و رخصت نقض آن باشد.

جهاد کبیر در بُعد اثباتی، مصداق آیه «وَاتَّبِعْ مَا يوحىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» است (احزاب: ۲)؛ یعنی اسلام برنامه دارد، برنامه زندگی براساس قرآن، براساس اسلام و در مقابل فشارها و تهدیدهای خارجی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۳). ایشان جهاد کبیر در مناسبات سیاست خارجی و تعریف و نقشه دشمن در این باره را، نفوذ دادن فرهنگ، فشار اقتصادی، تلاش‌های سیاسی با تبلیغات و عوامل خائن داخلی، به منظور تکان دادن فضای دولت و جامعه اسلامی و به تبعیت کشاندن آن می‌دانند و علت دشمنی و فشار را، عدم تبعیت جامعه و دولت اسلامی از نظام استکبار تعبیر می‌کنند. از نظر ایشان مذاکره با آمریکا نفعی ندارد و ضرر قطعی دارد، با کشوری مثل آمریکا که دشمن بشریت، فضیلت و اهل تحمیل است و بارها با قاطعیت و صراحت ابزار نفوذ در همه عرصه‌ها معرفی شده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۷/۱۵). ایدئولوژی، فکر و اندیشه اسلامی، اراده و ایستادگی در جهت حفظ هویت اسلامی و انقلابی، وقتی به مؤلفه‌های قدرت تعلق می‌گیرد، همان نقطه تلاقی و برخورد دولت و جامعه اسلامی با دشمنان و مستکبرین در مفهوم جهاد کبیر است، نقطه‌ای که قرآن دستور به عدم اطاعت داده و به تبعیت از تعالیم اسلام و وحی فراخوانده است.

#### ۴. راهکارهای تحقق جهاد کبیر

مبتهی بر شبکه مفاهیم قرآنی و قرائت امامین انقلاب که پیش‌تر اشاره شد، راهکارهایی جهت تحقق راهبرد جهاد کبیر در سیاست خارجی دولت اسلامی قابل تصور است. راهکارهای ذیل در واقع ابعاد و امتداد خرد جهاد کبیر در سیاست خارجی دولت اسلامی است و جهاد کبیر با این عناصر محقق می‌گردد.

#### ۴-۱. وجوب حفاظت از هویت اسلامی و حاکمیت اسلام

لازمه راهبرد جهاد کبیر در سیاست خارجی دولت اسلامی، مراعات مصالح اسلام در سطح دولت - حاکمیت و جامعه، به منظور بقاء هویتی است. تأمین این ملاک و مناط منجر به رعایت راهبرد جهاد کبیر می‌گردد. والی یا دولت، می‌بایست اصل اولی و حاکم بر تمام مصالح را بقاء هویت و اهداف کلان بینشی و ارزشی دولت اسلامی قرار دهد و مانور دیپلماتیک، یا تصمیمات مصلحت‌آمیز را در این چارچوب تعریف نماید. علاوه بر آن، وجوب اقامه حاکمیت دین در سیاست خارجی و مناسبات و لوازم آن به اندازه میسر و دست نکشیدن از این جهاد و ممارست در تحقق آن، از توابع و لوازم حاکمیت راهبرد جهاد کبیر در سیاست خارجی دولت اسلامی است؛ حاکمیت دین و اقامه آن در عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی می‌بایست، به عنوان یک هدف متعالی و یک سیاست قطعی در نظر گرفته شود.

#### ۴-۲. دیپلماسی بر محور عزت، حکمت و مصلحت

شایسته نیست که مذاکرات، پیمان‌ها، تعهدات، قراردادهای و کنش‌های دیپلماسی، برخلاف مفاد و هدف جهاد کبیر تنظیم شود؛ بلکه می‌بایست، در چارچوب آن و با در نظر گرفتن تبعیت از اسلام و عدم تبعیت از کفر، وارد کنش‌های بین‌المللی شد. این مهم با رعایت سه ضابطه قابل تأمین است: عزت، حکمت و مصلحت؛ این سه ضلع عینیت‌یافتگی راهبرد جهاد کبیر در کنش‌های دیپلماسی را تشکیل می‌دهد. همچنین، در صورتی که قبول اسناد و برنامه‌های مستکبرین ضرورت یابد - بنابر تشخیص مصلحت از سوی والی - با رعایت لوازم دیگر جهاد کبیر، امکان قبول ضرورت میسر می‌شود و قبول و اجرای این ضرورت به اندازه خود ضرورت است که می‌بایست، خطوط قرمز در آن مراعات گردد تا به استحاله منجر نشود و بتوان نسبت به دفع ضررها برنامه‌ریزی کرد.

#### ۴-۳. لزوم نفی نظام کفر استکباری و مبارزه با ظلم

عدم تبعیت در سطح حکومت‌ها و کلان جامعه، در مواجهه با کشور و حکومت خاصی از اهل کتاب، مشرک، کافر و یا حتی مسلمان نیست؛ چراکه همه این‌ها در صورت تلاش برای تفوق‌گفتمان، فرهنگ و منطق خود بر نظام و دولت اسلامی، نبایست از آنها تبعیت کرد. در حقیقت، دوست و دشمن را، نه ظاهر دینداری آنها، بلکه این ملاک مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، وجه استکباری و تهاجمی کشورها و حکومت‌ها است که مشخص می‌کند، آیا می‌توان با دولت و حکومت دیگر، تحالف و ائتلاف یا تعاهد و قرارداد داشت یا خیر؟ در سیاست خارجی دولت اسلامی در پرتو جهاد کبیر، اصل اولی نفی سلطه‌گر تأسیس می‌شود و برای موارد

استثناء می‌بایست دلیل داشت؛ مانند مصالح و ضرورت‌هایی که ولی امر تشخیص می‌دهد. جهاد کبیر مانع از تسلط و ولایت نظام استکباری بر دولت و جامعه اسلامی می‌شود و اگر در سیاست یا مناسبات خارجی تسلط و ولایت نظام استکبار محقق شود، به معنای تعطیلی یا اختلال کارکردی راهبرد جهاد کبیر است. آیات فراوانی از جمله «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)، بر همین امر دلالت می‌کنند؛ آیتی که تسلط و سبیل یافتن کافرین و دشمنان بر مؤمنین را صحیح نمی‌داند و از آن نهی می‌کند. بنابراین، دولت اسلامی نمی‌تواند در معاهدات، قراردادها، قبول اسناد و پیمان‌های بین‌المللی، مواردی که به سبیل و سلطه مستکبرین منجر می‌شود و استقلال دولت اسلامی را به چالش می‌کشد، قبول و امضاء نماید.

#### ۴-۴. لزوم حمایت از ملت‌ها و دولت‌های مستضعف

یکی دیگر از لوازم راهبرد جهاد کبیر در عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی که براساس آیه ۷۵ نساء به دست می‌آید، دوستی، تعامل، تحالف و همکاری با دولت‌های مستضعف سلطه‌ستیز و ضد استکباری است؛ تا به این وسیله اولاً، تبعیت از شرع نموده باشد و ثانیاً، با تجمیع قدرت‌های سلطه‌ستیز (دولت‌ها و ملت‌ها)، نظم کفر استکباری را تضعیف نماید و اراده و برنامه‌های آنهایی که در مخالفت با تعالیم اسلام و وحی هستند، محقق نگردد و عدم تبعیت، تثبیت گردد.

#### ۴-۵. لزوم مقابله با نفوذ نظام کفر

از آنجا که غرض جهاد کبیر مقابله با نظم کفر است، در نتیجه نظام کفر نیز به دنبال نفوذ، غلبه دادن فکر و نظم خود به وسیله انواع فشارهای بین‌المللی، تحریم، تهدید و تطمیع، از مجرای روابط خارجی با دولت اسلامی است. بنابراین، بر دولت اسلامی واجب می‌شود که در قبول یا رد روابط و سطوح آن و دیگر کنش‌های خود، به این امر توجه کند و مانع نفوذ کفر در سطوح مختلف و عرصه‌های متنوع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شود. از این‌رو مذاکره و ایجاد رابطه با دولت‌های ذیل نظم کفر به شرط «قدرت و نفی انظلام مقابل آن و اضطرار و ضرورتی که از نظر فقهی موضوعیت داشته باشد»، جایز است (توکلی محمدی و مطهری فرد، ۱۳۹۵: ص ۳۸).

#### ۵. نتیجه‌گیری

براساس نتایج پژوهش حاضر، بین دو تفسیر از جهاد کبیر به وسیله قرآن یا عدم تبعیت، معنای جامعی ارائه شد و آن عدم تبعیت از کفار به وسیله قرآن بود و مراد از کفار، نظم کفر استکباری است که به دنبال غلبه

بر اسلام با مسلط ساختن قوانین و قدرت نرم خود است. همچنین شبکه مفاهیم مرتبط با جهاد کبیر در منظومه معرفتی قرآن در راستای سیاست خارجی دولت اسلامی معرفی گردید؛ مانند مبارزه با ظلم، حمایت از مستضعفین، حاکمیت قوانین اسلام بر کنش‌های دولت، حراست از هویت اسلامی در مناسبات خارجی، مقابله با نفوذ نظم کفر از طریق روابط و پیمان‌های خارجی و مراعات عزت و مصلحت نظام اسلامی براساس حکمت توسط دولت اسلامی. با رهیافتی که از منظومه معرفتی قرآن پیرامون جهاد کبیر و کلان مفهوم نفی طاغوت فهمیده می‌شود، دولت اسلامی در سیاست خارجی خود نمی‌تواند هر کنش و ابزار دیپلماسی را در سیاست خارجی اتخاذ نماید؛ بلکه می‌بایست براساس راهبردهای مستخرج از جهاد کبیر به این عرصه ورود کند و آن را به عنوان چارچوب سیاسی- فرهنگی، لایتغیر و واجب قرار دهد. در این رویکرد، بر دولت اسلامی واجب است، نظم مستقر و نظام بین‌الملل موجود را ناعادلانه، نامشروع و نامطلوب بیندارد، و نظم کفر استکباری موجود را نماد عینی بی‌عدالتی، نابرابری، تبعیض و سلطه بداند؛ این امر به معنای نپذیرفتن نظام سلطه و مقابله با آن و تلاش برای اصلاح و تغییر ساختاری، هنجاری آن است. جهاد کبیر به‌مثابه راهبرد سیاست خارجی دولت اسلامی، جهت‌دهنده، رویکردساز و چارچوب‌بخش به تمامی کنش‌های در این حوزه است و نوع روابط را تنظیم، راهبردی و هدفمند می‌سازد. جهاد کبیر همچنین مانع از پذیرش قواعد و چارچوب‌های بین‌المللی که مخالف با اهداف و برنامه‌های اسلامی است، می‌شود.

## منابع

### قرآن کریم.

آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱۰. توکلی محمدی، مرتضی؛ مطهری فرد، مرتضی (۱۳۹۵). گونه‌شناسی فقهی مذاکره سیاسی با دشمنان به استناد تاریخ (با تطبیق بر مذاکره با آمریکا). معرفت سیاسی، شماره ۱۶: ص ۲۵-۴۰.

ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق). *تفسیر روان جاوید*. تهران: انتشارات برهان، چاپ سوم، ج ۴. حاتمی‌راد، منصور (۱۳۸۵). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام معظم رهبری. حصون، شماره ۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰/۳/۱۳). پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال امام خمینی. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/2459>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۳/۱۴). *بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/33259>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲/۵/۱۵). *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/3186>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴/۷/۱۵). *بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/31024>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰/۹/۱۶). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ رمضان*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/3096>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹/۴/۱۹). *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/3016>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۶/۱۰/۲۶). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/2869>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲/۵/۲۷). *بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه با رهبر انقلاب*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/1022>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۹/۲۷). *بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/35186>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۳/۳). *بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/33172>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۳/۶). *بیانات در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در:

<https://khl.ink/f/33198>

خرم‌شاد، محمدباقر (۱۳۹۳). *بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران*. تهران: سمت، چاپ دوم.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). *تحریر الوسيله*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۰-۲۱، ۹.

خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). *ولایت فقیه*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۵(۲): ص ۱۱۱-۱۴۲.
- سیوطی جلال‌الدین (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۵.
- شبان‌نیا، قاسم (۱۳۹۵). ضوابط فقهی حاکم بر مذاکرات دولت اسلامی با سایر دولت‌ها. معرفت سیاسی، شماره ۱.
- شجاعی، هادی (۱۳۸۹). اهداف و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. شماره ۱۵۳، معرفت: ص ۲۳-۴۰.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ج ۱۵.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ مدیریت حوزه علمیه، ج ۳.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۷.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷). مبانی و روش‌های تفسیر قرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فتوحی، علی (۱۳۸۸). مبانی قرآنی تفسیر قرآن به قرآن. معرفت، شماره ۱۳۶: ص ۱۹-۳۶.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: انتشارات صدر، چاپ دوم، ج ۴.
- قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۹.
- کریمی، محمود؛ بخشی، محمدرضا (۱۳۹۹). مفهوم‌شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم و تبیین عرصه‌های آن. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱۶: ص ۱۸۷-۲۰۶.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۳). امنیت متعالیه. سیاست متعالیه، شماره ۵.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۲.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۱۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ج ۱۰.
- نیشابوری، نظام‌الدین (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۵.